عدم آشنایی فخر رازی با فن قرائت و نفی تواتر قرائات الی رسول الله ص توسط او

خب این اولین سؤال بود؛ زرکشی در طبقات القراء بوده ای نبوده. دومی آنها چه کسی است؟ الامام الرازی. امام رازی قاری بوده ای نبوده؟ این را هم نگاه کنید. تا جایی که من دیدم در غایة النهایة ابن جزری ایشان در طبقات نیست. مثل زمخشری است. زمخشری هم نیست. طحاوی هم نیست. مانعی ندارد. یعنی اینها کلاس اقرا نرفته بودند و از اول تا آخر قرآن را ننشسته بودند و عجائبی که در کلاس اقراء هست را ندیده بودند. بعضی وقتها خود من که اینها را میدیدم برای من بهتآور بود. چیز هایی که در وقف، رَوم و اشمام دارند. اینها چیست؟ ریز به ریز آنها را دارند. میگوید باید متعلم بنشیند و ابتدا در صورت مقری نگاه کند ببیند وقتی وقف میکند لبش را گرد میکند. شما هم باید گرد کنید. او هم میگوید استاد من این کار را کرد. استاد من هم استادش این کار را کرد. عجب! یعنی در کلاس اقراء بعضی از چیزها هست که تنها با چشم صورت میگیرد. اینطور نیست که در کتاب بنویسند. همین اشمام و روم را در چه درجهای انجام بدهد. اولی که من دیدم خنده ام گرفت.

شاگرد: ....(صوت نامفهوم)

استاد: مانعی ندارد. شاید بعضی از آنها کور مادر زاد بودند. خود شاطبی همین بوده شاید کور مادرزاد بوده است اما نمی دانم . در برخی از جاها میگفتند که متوقف بر رؤیت است. در یک جایی برخورد کردم. علی ای حال اینها یک چیزهای بهتآور است.

فخر رازی چه گفته؟ فخر رازی استدلال میکند. گفتم که اول آسید جواد هیچ چیزی نمیگویند. در آخر کار میگویند «لم یسمع من احد غیره». هیچکس دیگری این حرف را نزده. تحقیق اینکه فخر رازی جزء طبقات القراء هست یا نه با شما. میگوید:

> اتفق الأکثر علی أن القراءات منقولة بالتواتر و فیه إشکال لأنها إن کانت منقولة بالتواتر و أن اللّٰه خیر المکلفین بینها کان ترجیح بعضها علی بعض واقعا علی خلاف الحکم الثابت بالتواتر فوجب أن یکون الذاهبون إلی ترجیح البعض علی البعض مستوجبین للفسق إن لم یلزمهم الکفر کما تری أن کل واحد من هؤلاء القراء یختص بنوع معین من القراءة و یحمل الناس علیه و یمنعهم عن غیره و إن قلنا بعدم التواتر خرج القرآن عن کونه مفیدا للجزم و القطع و ذلک باطل قطعا[1]

همه به او نسبت می‌دهند که اشکال کرده؛ می‌گوید ان قلنا بعدم التواتر باطل قطعاً. قسم اول؛«إن کانت منقولة بالتواتر و أن اللّٰه خیر المکلفین بینها کان ترجیح بعضها علی بعض واقعا علی خلاف الحکم الثابت بالتواتر». اشکال فخر رازی همین است. می‌گوید اگر اینها متواتر است پس این همه از علماء مسلمان که در کلاس اقراء یک قرائت را بر دیگری ترجیح می‌دهند چه کار می‌کنند؟! همه فاسق می‌شوند. اشکال فخر رازی این است. می‌گوید همه فاسق می‌شوند. چرا؟ چون مثل این است که بگویی‌م سوره مبارکه حمد بر سوره مبارکه بقره ترجیح دارد. شما چه کاره اید؟! همه آن‌ها کلام خدا است. این اشکال فخر رازی است. بعد می‌گوید: «**فوجب أن یکون الذاهبون إلی ترجیح البعض علی البعض مستوجبین للفسق إن لم یلزمهم الکفر کما تری أن کل واحد من هؤلاء القراء یختص بنوع معین من القراءة و یحمل الناس علیه و یمنعهم عن غیره**»؛ می‌گوید یک قاری می‌گوید نباید سراغ قرائتی غیر از قرائت من بروید. بلکه تنها قرائت من قرائت است. فخر رازی این را می‌گوید.

---

[1]مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة(ط - دار الاحیاء التراث) ج۲ص۳۹۲

بازبینی #2
ایجاد شده 17 آوریل 2024 14:02:04 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2024 15:07:37 توسط ... .